

سوره «آل عمران» (۳)

سوره آل عمران از اواخر سال دوم تا اواخر سال سوم هجرت در مدینه نازل شده است. نزول این سوره همزمان با تکوین جامعه نمونه ایمانی در «مدینه الرسول» و هم گام با اولین آشنائی و برخورد اجتماعی مسلمانان با اهل کتاب یعنی یهودیان همسایه مدینه (که از نظر فرهنگ و سابقه دینداری از بقیه ساکنین شبه جزیره پیشرفته تر بودند) می باشد. این آیات گویا روابط اجتماعی و شیوه های برخورد با اهل کتاب را که رقیب و دشمن مسلمین محسوب می شدند به صورت تفصیلی بیان می نماید، البته گذشته از اهل کتاب، کفار نیز در این سوره به طور گسترده ای معرفی شده اند که در سایر سوره های قرآن به این نسبت دیده نمی شود.^۱

قابل توجه است که واژه «کتاب» (در جملات «اهل الکتاب» و «او تو الکتاب») در این سوره از تمامی سوره های قرآن بیشتر است.^۲ بنابراین به خوبی می توان دریافت که محور اصلی این سوره مردم شناسی می باشد، اکنون که مسلمانان از مکه به مدینه هجرت کرده و در صدد ایجاد جامعه نمونه ای هستند لازم است کفار و اهل کتاب مجاور خود را دقیقاً از نظر روحیات و خصلت ها شناخته به نقاط ضعف و قوت آنها پی ببرند. شگفت آنکه این سوره در عین آنکه انواع انحرافات و مفاسد اهل کتاب را تشریح می نماید، با سعه صدر و کرامتی

۱. برخی از مشتقات واژه کفر در این سوره بالاترین رقم را در قرآن دارد مثل: کفروا، کفر، تکفرون و... و در جمع کلمات نیز به طور نسبی مشتقات کفر در این سوره بالاترین رقم را دارد (البته در مجموع سوره بقره ۴۷ بار و سوره آل عمران ۴۲ بار شامل این کلمه می باشند. اما با توجه به حدود ۲ برابر بودن حجم سوره بقره به طور نسبی سوره آل عمران در مرتبه بالاتری قرار دارد.

۲. ۳۲ مرتبه از ۲۳۰ مورد در قرآن (یعنی ۱۴٪ کل) و کلمات توراة و انجیل بعد از سوره مائده در این سوره بیشترین کاربرد را دارد (در حالیکه در سوره های بلند بقره و نساء اصلاً وجود ندارد).

شگفت آور صفات مثبت آنها را نیز به زیباترین وجه توصیف و تمجید می نماید.

همانطور که گفته شد نزول این سوره همزمان با تشکیل جامعه ایمانی مدینه و آشنائی و ارتباط با یهود و مسیحیان می باشد. مسلمانان هنوز پی ریزی بنای اجتماعی خود را آغاز نکرده بودند که مواجه با تبلیغات منفی و فتنه های گوناگون دشمنان شدند، بنابر این لازم بود به نقش حساس و تاریخ ساز خود در برابر کفار و اهل کتاب بیشتر واقف گشته برای رسالتی که به عهده داشتند اتحاد و اتفاق و توحید کلمه خود را حفظ نمایند و در برابر دسائس بیگانگان صبر و تقوی پیشه سازند. از این نظر می بینیم در این سوره به وحدت اجتماعی و گریز از تفرقه و تشتت بسیار تأکید شده و امر به معروف و نهی از منکر به عنوان چاره ساز این آفت و مهمترین وسیله برای رسیدن به وحدت و پیشگیری از سرایت بیماری تفرقه معرفی گشته است، علاوه بر آن، ترکیب صبر و تقوی تنها چهار بار در قرآن به کار رفته که هر چهار مورد آن در همین سوره است (آیات ۱۲۱-۱۸۶-۲۰۰-۱۲۵)، صبر همان پایداری و مقاومت در برابر دسائس و مکاید دشمنان است و تقوی رعایت اصول و معیارهای الهی در روابط با خودی و بیگانه و تسلط بر نفس می باشد.

در این سوره به مناسبت همین برخورد اعتقادی با اهل کتاب و کفار سخن از ایمان و اسلام و استقامت در راه اهداف دینی بسیار رفته است و درس های تربیتی فراوانی در برخورد منطقی و مستدل با مخالفین ارائه می دهد که برای پیشرفت اسلام و نفی اندیشه های باطل بس آموزنده می باشد. کلمه اسلام، یعنی تسلیم واقعی به خدا و دستورات دینی در این سوره به اندازه سوره بقره به کار رفته است (۱۱ بار با وجود حجم کمتر آن)، اسلامی که مطرح می شود همان تسلیم حنیف وار ابراهیمی می باشد که در احتجاج با اهل کتاب مرتباً به چنین راهی دعوت می شوند.

این سوره از این جهت آل عمران نامیده شده که در آیه ۳۲ آن داستان آل عمران به عنوان وارث و شاخه برگزیده ای از آل ابراهیم نقل شده است. بنی اسرائیل پس از آنکه قرن ها تحت تعلیم و تربیت انبیاء آل ابراهیمی قرار داشتند، به تدریج به خاطر انحرافات مختلف به هلاکت و نابودی معنوی سوق پیدا کردند تا آنکه خداوند بر آنها منت گذاشته با سلسله انبیاء آل عمران، که تکمیل کننده راه ابراهیم بودند، نجاتشان داد. این خاندان مجدداً بوستان توحید را آبیاری کرده شکوفه های اخلاق و فضیلت را پرورش دادند و منشأ عمران نفوس و اجتماعات گردیدند.

آیات سوره آل عمران با اینکه بسیار مختلف و متنوع است، اما مطالب آن از آنچنان انسجام و ارتباطی برخوردار است که به نظر می رسد از یک موضوع سخن گفته و همه سوره

یکجا نازل شده باشد.

ابتدا و انتهای سوره با موضوع «مردم شناسی» آغاز و ختم می شود و در وسط به محاسن و معایب اهل کتاب در ارتباط با مسلمین می پردازد. مردم شناسی ابتدای سوره عمدتاً روی گروه مؤمن و کافر است، مؤمنین را با صفات: راسخ در علم، اولوالالباب، متقی، صابر، صادق، قانت، اهل نفاق و مستغفر می ستاید و کافرین را از عقاب شدیدی که دنباله و نتیجه دستاورد خودشان می باشد بیم می دهد. عاقبت کفر را در پیدایش رژیم های فرعونى سراغ می دهد، که گرفتار انواع شهوات دنیائی هستند و سرانجام تقوا را در بهشت و رضوان الهی.

در همین مقدمه (مردم شناسی) به اختلافات اهل کتاب با یکدیگر که به دلیل بغی و ستم پیشگی آنها می باشد، اشاره می کند و نتیجه این اختلافات و انحرافات را در قتل انبیاء و انواع غرور و خودپرستی جاهلانه نشان داده راه برخورد و احتجاج فکری مسلمانان را با آنها روشن می نماید، آنگاه پس از بیان قانونمندی های «نزع» و «ایتاء ملک» که همان قدرت و تسلط یافتن یا دلیل و مقهور شدن امت ها می باشد به مسلمانان سفارش می کند از ولایت کافران بر حذر باشند و جز ولایت و حُبّ الهی و تبعیت از رسول خدا راه دیگری نپیمایند، گوئی همین خودسازی و حفظ و تقویت رابطه ولایتی ضامن قدرت و استقلال مسلمانان می باشد.

آیات میانی سوره که از آیه ۳۰ تا ۱۷۶ را دربر می گیرد به موضوعات مرتبط و هماهنگ زیر قابل تفکیک است.

۱- داستان ولادت مریم و یحیی و مسیح (علیهم السلام) به عنوان شناخت مبدأ و منشأ آل عمران (مسیحیت).

۲- جبهه گیری کفر در برابر ایمان در جریان رسالت مسیح به عنوان تجربه ای تاریخی برای آشنائی با سرآغاز این نهضت بر حق.

۳- احتجاج و مباحله با اهل کتاب، پیشنهاد وحدت حول سه محور توحیدی، نفی شرک و ارباب دنیائی، مجادله درباره ابراهیم.

۴- تشریح انواع توطئه ها و تمهیدات فرقه هائی از اهل کتاب علیه مسلمانان و بیان ویژگی های اخلاقی آنان، دعوت به اسلام واقعی و ایمان به همه رسولان و کتاب های الهی.

۵- بیان حج در رابطه با «ملة ابراهیم» که بنیانگزار همه امت های توحیدی بود.

۶- اعتصام به حبل الله (قرآن) برای ایجاد وحدت و دوری از تفرقه و تشتت و اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر برای حفاظت جامعه ایمانی در برابر آفات توحید، هشدار نسبت به عواقب وخیم اختلاف و تفرقه در روز قیامت.

۷- باز هم توصیف دقیق روانشناسی اهل کتاب و تأکید بر اینکه مسلمانان در رابطه با اهل کتاب باید بر موضع «صبر و تقوی» تکیه کنند و از «بطانه» گرفتن آنان خودداری نمایند.

۸- تشریح جنگ احد، پیروزی نخستین به دلیل صبر و تقوی و شکست بعدی به خاطر «فشل» و عصیان، تجزیه تحلیل این دو واقعه و نتیجه گیری برای عبرت آموزی مسلمانان سپس بیان فلسفه تاریخ و سنت‌ها و قوانین جاری در اجتماعات انسانی، اشاره به امدادهای الهی در جنگ بدر و ابتدای جنگ احد، بیان مشیت الهی از این ابتلائات: تحقق ایمان، اخذ شهداء، تمحیص مؤمنین و شناخت مجاهد و صابر - اشاره به ربا به عنوان زمینه‌ای انحرافی در توجیه علت شکست و بازگشت ارتجاعی مسلمانان به این رابطه غلط اقتصادی و برعکس مسارعه متقین به سوی بهشتی که پهنای آن آسمان‌ها و زمین است.

۹- اشاره به انبیاء الهی و ربیون (دست پروده‌های خالص آنان) که چگونه در برابر شدائد راه خدا و رسالتی که به دوش داشتند مقاومت و پایداری و دعا می کردند، برای توجه به خودسازی و کشف علت شکست‌ها و ناکامی‌ها (با عنایت به شکست احد). سپس مطرح کردن مجدد عدم اطاعت از کفار و چنگ زدن به ولایت الهی - تجزیه تحلیل مجدد شکست احد (پس از توجه به انبیاء و ربیون) و نشان دادن نقاط ضعف و زمینه‌های روانی شکست - مطرح ساختن مهربانی و رحمت رهبری و قانون مشورت همگانی به عنوان راه حل و چاره ساز رشد شخصیت و زدودن انحرافات امت - بیان رضایت و سخط خدا در اتخاذ ولایت او یا ولایت دیگران.

آخرین بخش سوره (آیات ۱۷۷ تا ۲۰۰) مجدداً به بحث مردم شناسی برمی گردد. اما اگر در ابتدای سوره مردم شناسی کفار و مؤمنین مورد نظر بود، در انتهای آن منافقین نیز معرفی می شوند، همان کسانی که موجبات شکست احد را فراهم ساخته پس از آن جرأت یافتند تبلیغات زهر آگین خود را شدت بخشند. علاوه بر آن، به دلیل فرار برخی از مسلمانان سست ایمان از جبهه احد، ضروری به نظر می رسد خصلت ترس و نفاق شکافته گردد. همچنین در برابر نفاق و بخل و شتاب در کفر و مرده پنداشتن شهداء و ... در این قسمت

به ایمان، توکل، تقوی و احسان مؤمنین واقعی اشاره می کند و هدایت را تمام می کند. بار دیگر به «صبر و تقوی» در رابطه با اهل کتاب اشاره می نماید و مؤمنین را به انواع آزارها و دشنام هائی که در آینده خواهند دید و شنید (و لازم است از جاده صبر و تقوی خارج نشوند) آگاهی می دهد.

سرانجام به اولوالالباب بازگشت می نماید، همانها که در آغاز سوره (آیه ۸) به رسوخشان در علم و دعایشان به درگاه پروردگار (با سه بار تکرار کلمه «ربنا») اشاره کرده بود:

... و الرَّاسُخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكُرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ رَبَّنَا لَا تَزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ، رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ.

این بار دعای آنها را با تفصیل بیشتر و ۷ بار تکرار کلمه ربنا (در مجموع ۱۰ بار = عدد تمام) نقل می نماید و ابتدا و انتهای سوره را به یکدیگر وصل می کند. سرانجام هجرت و جهاد و قبول آزار و آوارگی و پیکار کردن و کشته شدن را به عنوان راه اجابت این دعاها معرفی می نماید و مجدداً برای آنکه بدبینی و تعصبی نسبت به اهل کتاب پیدا نشده باشد، در پایان سوره تمجیدی روشن از آنان کرده با تأکید نهائی روی عامل «صبر» و «تقوا» (که قبلاً اشاره شد) و «ارتباط» مسلمانان با یکدیگر، سوره را پایان می دهد.

ارتباط سوره‌های آل عمران و نساء (۳ و ۴)

این دو سوره از معدود سوره‌هایی هستند که وجه ارتباط و اتصالشان با نگاه اول شناخته می‌گردد و نیازی به تعمق و تدبر زیاد ندارد. همانطور که ملاحظه می‌شود سوره آل عمران با «تقوی» ختم و سوره نساء با آن آغاز می‌گردد:

آل عمران (۲۰۰) یا ایها الذین آمنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله لعلکم تفلحون.
نساء (۱) یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحده ... و اتقوا الله الذی تسائلون به والارحام ...

اما تقوی زمینه‌ها و بسترهای مختلف دارد، تقوایی که در سوره آل عمران مطرح شده^۱ تقریباً در کلیه موارد به طور مستقیم یا غیرمستقیم در ارتباط با وحدت جامعه و ولایت خدا و رسول و مقابله با دشمنان است. بطوریکه در چهار مورد کلمه صبر و تقوی توأمان به کار رفته است^۱ و تقوی را تکمیل کننده پایداری و شجاعت و مقابل سست ارادگی و تسلیم به هوای نفس قرار داده است. اما در سوره نساء تقوی را در ارتباط با همسران و موضوعات: ازدواج، ارحام، صلح و آشتی، نشوز و ناسازگاری، یتیمان، عدالت بین همسران و جنگ مطرح کرده است که عمدتاً جنبه روابط زناشویی و خانوادگی دارد^۲. بنابراین پس از آنکه در سوره آل عمران تقوی را در زمینه روابط با دشمن بیرونی تبیین می‌نماید، در سوره نساء موضوع را با زاویه دیگری با دشمنی‌ها و اختلافات درونی عنوان می‌کند. می‌دانیم اصولاً کاربرد تقوی در مسائل و زمینه‌هایی است که احساسات و عواطف و خشم و کینه بر عقل غلبه می‌کند و مقابله با دشمن خارجی و تسلیم خشم و غضب شدن در روابط با همسران، که هر دو از موضع قدرت و با توسل به زور انجام می‌شود، طبیعی‌ترین بستری است که چنین آموزشی را می‌طلبد.

۱. آیات ۱۲۰-۱۲۵-۱۸۶-۲۰۰

۲. آیات ۱-۹-۷۷-۱۲۸-۱۲۹-۱۳۱